

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

شبهه معروف استصحاب

اصل بحث ما راجع به این است که در استصحاب موضوع باید باقی باشد، اگر موضوع یکی نباشد و شما استصحاب کنید این در واقع قیاس است. باید احراز کنید موضوع باقی است. مثلا در مثال انگور و کشمش شما می خواهید حکمی را که در انگور هست بکشاید برای کشمش. اگر موضوع یکی باشد عرفا عقلا و به حسب لسان دلیل این جا میتوانیم استصحاب کنیم و لی اگر موضوع فرق کرده و به گونه ای است که نمی توانیم بگوییم که این همان است به هر حال اگر موضوع فرق کرده شما نمی توانید استصحاب کنید. شما از رسائل خواندید باید این همانی احراز شود. و جالب این است که شک هم فایده ندارد. باید احراز شود که کشمش همان انگور است. تا بعد حکم انگور بیاید برای کشمش با کمک استصحاب. بیش از هزار سال این سوال در صحن اصول مطرح است و فکر نکنید که جدید است. و آن این که اگر شما در استصحاب اصرار کنید که در موضوع این همانی حفظ شود سوال این است که چرا از خود دلیل استفاده نمی کنید؟ چرا از روایت استفاده نمی کنید؛ مثلا روایت این باشد که العنب اذا غلی حرم.... اگر کشمش هم همان انگور است از همان دلیل استفاده کنیم. جناب سید صاحب ذریعه ایشان جزء کسانی است که استصحاب را قبول ندارد. قدیمی ها می گفتند استصحاب الحال... مرحوم سید و مرحوم محقق حلی، مرحوم ابوالمکارم ابن زهره، جناب صاحب معالم، این ها مخالف استصحاب بودند. اگر رسائل را خوانده باشید معمولا به این قسمت توجه خاصی نمی شد. شیخ 11 قول را در این باره می شمارد. گر چه بعدا هم برخی اقوال دیگر را اضافه میکنیم. بحثی است که اگر کسی در وسط نماز واجد الماء شد، به قول سید الواجد للماء شد، اول آب نبود مثل این که آب قطع شده بود. به هر حال وسط نماز به آب رسید. سوال این است که در این صورت ایشان باید نماز را قطع کند و وضو بگیرد؛ این جا پای استصحاب درکار می آید میگوییم ایشان که تا الان حق داشت نماز را ادامه دهد این جا چند استصحاب داریم استصحاب ادامه نماز یا استصحاب رفع الحدث... یا بگوییم نه این جا باید قطع کند، وضو بگیرد. مرحوم سید در این مثال استصحاب را می گوید و می گوید کیف یسوی بین حالتین؟ چه جوری این دو حالت را یکی بگیریم؛ واجد الماء فاقد الماء میگوییم چه کار کنیم جناب سید؛ ایشان می گوید استصحاب بی استصحاب در این جا باید نگاه کنید به دلیل مثلا دلیل تیمم این قدر قوی هست که چنین حالتی را بگیرد؛ که اگر وسط نماز آب پیدا کردید، ادامه بده برای نماز بعد برو وضو بگیر. اسم این کار را باید بگذاریم تمسک به دلیل حکم. اطلاقش چه می شود؛ اطلاق افرادی؛ اطلاق احوالی؛ این جا بیشتر به اطلاق احوالی میخورد.

اگر به این آیه توجه کنیم که ان کنتم جنبا... فتیمموا صعیدا طیبا؛ این آیه دارد می گوید اگر فاقد الماء بودید، آیا این تطبیق غیر از قیاس است؛ قیاس این است که حکمی برود روی موضوعی و ما به صرف مشابهت موضوع مورد نظر با آن موضوع منصوص حکم را ببریم روی موضوع دوم به عبارتی سرایت دادن یک حکم از موضوع مذکور در دلیل بر موضوع غیر مذکور در دلیل؛ لم یجز اثبات الاول؛ ما با اصل استصحاب مشکل نداریم اما سوال ما این است که چطور این همه تاکید که باید موضوع عوض نشده باشد، اما سید اصل استصحاب را میزند ولی از این ها که بگذرید مخ حرف ایشان همین اشکال سوم ماست. وقتی من این همه تاکید می کنم که موضوع نباید در استصحاب عوض شده باشد، سوال این است که همان دلیل مبین حکم باید تمسک کرد. شما برای کشاندن حکم انگور به کشمش می گوید باید اول معلوم شود کشمش همان انگور است. اگر کشمش همان انگور است، از همان دلیل انگور باید استفاده کرد. می گوید آن انگور است آن هم کشمش است می گویم پس موضوع عوض شده است. ما می گویم اگر همان است پس روایت کار را حل کند چرا استصحاب؛ اگر همان نیست پس

استصحاب هم نمی شود کرد. این اشکالی است که بسیاری را تسلیم کرده است. ببینید این اشکال در شبهات حکمیه مطرح است این را یادتان باشد! در شبهات موضوعیه اشکال به این شکل مطرح نیست. این جا چون دلیل داریم ، من مثال خودم را بزنم که العنب اذا غلی یحرم. به هر حال روایت امام صادق علیه السلام یا وضع کشمش را گفته است یا نگفته ، اگر گفته چرا به خود روایت تمسک نمی کنید؟ یعنی به عنوان نتیجه این که موضوع عوض شده اگر نشده باشد که باید بتواند همان حکم را مطرح کند! ولی در شبهات موضوعیه که صحیحش هم مصداقیه است و باید تقسیم کنیم شبهات حکمیه و مصداقیه ؛ شبهه مفهومیه هم یک نوعی از حکمیه است. در شبهات موضوعیه می دانید رفع شک و شبهه در دست شارع نیست. مثالی اگر بخواهم برای شما بزنم این است که قبلا یک مایع مسکری بود و الان یک مقدار زمان گذشته است، ما هم احتمال میدهیم که اسکارش از بین رفته باشد، از یک جهت احتمال هم میدهیم که اسکارش از بین نرفته باشد. اگر اسکار از بین رفته باشد، استفاده از آن حلال است. اگر هم اسکارش مانده باشد، استفاده کردنش حرام است. شک می کنیم اگر آمدیم استصحاب انه مسکر کردیم، گفتیم این مایع که یک سال پیش مسکر بود الان به خاطر مرور زمان شک می کنیم که مسکراست یا نه! فرض کنید که چیزی هم به آن اضافه نکردیم، این همانی محفوظ است این جا اگر کسی استصحاب کند ما نباید که اشکال بگیریم. دلیل ما انما الخمر و المیسر رجس من عمل الشیطان است یا الخمر حرام است یا المسکر حرام است دیگر نمی توانیم بگویم دلیل یا شامل این می شود یا نه هیچوقت دلیل مبین حکم جزئی نیست. حدیث یا آیه که نمی آید بیان کند که این مایعی که تو داری مسکر است یا نه در شبهات موضوعیه می گویند که رفع شبهه ربط به شارع ندارد. به دلیل هم رجوع کنیم قرار نیست که کار ما حل شود. این که آیا کشمش هم حکم انگور را دارد یا نه باید با دلیل روشن کنیم اما این که این مسکر است یا نه یا آن مثالی را که قبلا داشتید، دو تا آب کر داشتیم و دو سطل برداشتیم نمیدانیم از کربودن خارج شد یا نه، دلیل سید را این جا نمیتوانیم که بیاوریم چون روایت امام صادق که الماء اذا بلغ قدر کر لم ینجسه شیء که حالا یا روایت است یا مضمون روایت است ، نمی آید که بگوید آب شما کر هست یا نه. این جا ممکن است کسی قائل به استصحاب شود. پس ببینید این شبهه ای که ما مطرح میکنیم با همان توضیحاتی که دادیم به عنوان شبهه سوم در شبهات حکمیه می آید. و الا در شبهات موضوعیه اگر این همانی محفوظ باشد، با استصحاب می شود درست کرد. می گویم این سابقا کربود الان شک می کنیم که از کربودن خارج شده یا نه، امام صادق هم که فرمودند استصحاب کن. شبهه آن روایاتی که زراعه در استصحاب داشت. به اندازه کافی به شبهه پرداختیم اما جواب....

جواب شبهه

اولین جواب را من از مرحوم آشیخ عبدالکریم حایری بدهم صاحب دُرر؛ نه این که دقیقا بحث ما را مطرح کرده باشد، ولی مطالبی را که بیان می کند، خیلی راحت و روان در بحث ما پیاده میشود. به عبارتی بیان ایشان را باید بومی کنیم، ایشان می فرماید : وقتی یک حکمی میرود روی یک عنوانی مثلا العنب اذا غلی یحرم؛ حکم یحرم رفته روی عنب؛ ایشان می گوید گاهی اوقات تا عرف این را می شنود، یک چیز اعمی را از عنب می فهمد، یعنی در ذهنش کشمش هم می آید ، درست که عنوان العنب است ولی در این دلیل اعم از آن چه که یصدق علیه العنب یعنی در واقع هم عنب به ذهنش میآید با این دلیل هم کشمش. اما برخی مواقع هست که وقتی حکمی روی یک موضوعی میرود اعم را برداشت نمی کند.

الحمد لله رب العالمین